

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

حمید محوی  
۰۶ اگست ۲۰۱۵

## به ارتباط کتاب «ایران تخریب ضروری»

کتاب ژئوپلیتیسین فرانسوی ژان میشل ورنوشه پیش از این در بلاگفا در دوران پیشا تشدید تهاجم امپریالیستی غرب با تبنانی ارشاد سرمایه داری اسلامی و طبیعتاً در تبنانی ضمنی با اپوزیسیون های پنتاگونی ایران در خارج از کشور به عنوان برجسته ترین بخش از بورژوازی وابسته و معامله گر... بر اساس ضرورت های زمانه و ضرورت های سیال و ثابت سرمایه... به رسانه های فارسی زبان و حذف گاهنامه هنر و مبارزه به عنوان یک نشریه مستقل در بلاگفا، کتاب «ایران، تخریب ضروری» طی بخش های مختلف منتشر شده بود، با این وجود دوستان ما نیز در اینترنت و سایت هایشان آن را قابل دسترسی ساخته بودند. البته برخی سایت های تبلیغاتی نیز آن را برای اهداف تجاری به گروگان گرفته اند (با الهام از جهان تبلیغات تجاری لیبرال – اولترا لیبرال انگلوساکسون در اروپا و امریکا که به یک جریان تروریستی تمام عیار در عرصه فرهنگی و هنری تبدیل شده به طوری که عملاً در ممنوعیت از لذت هنری همپای سه دین یهودی، مسیحی و مسلمان مظهر بهیمیت تاریخ بشریت همپا شده است. به عنوان مثال، در یوتوب حتی برخی قطعات موسیقی با تبلیغات تجاری قطع شده اند و در نتیجه می بینیم که لیبرالیسم، سرمایه داری جهانی و نظام حاکم بر جامعه طبقاتی در سطح جهانی جریان ضد هنری و ضد لذت هنری را به اوج رسانده اند)... بگذریم. این کتاب را در اینجا با تصحیحات بسیار مختصر در سطح حذف یک «و» و تنوین گذاری برای دو سه کلمه و تغییرات مختصری در پی نوشت های لاتین و درج آنها در داخل متن، برای یادآوری و تحلیلی که امروز شاید هنوز بتواند به عنوان ابزاری برای درک وسیعتر رویدادها — توافق وین — و برای آنهایی که این کتاب را هنوز نخوانده اند ارسال می دارم.

البته برای ارسال مجدد این کتاب یک دلیل دیگر نیز داشتیم، که کمی شخصی به نظر می رسد، بی آنکه بدانم تا چه اندازه می تواند به عنوان مسأله ای عمومی مورد توجه قرار گیرد... دو روز پیش در واکنشی کاملاً حسی در رابطه با گزارش سایت ایلنا در مورد تأثیر شهر و سفارش تجهیزاتی مانند صندلی و غیره... آن هم در معامله با کشور فرانسه یعنی کشور میزبان من که در عین حال تنها فرصت زندگی ام را برای تحصیل — اتفاقاً در دانشکده تأثیر — به نفع حقوق بشر پنتاگونی و تروریست هائی که در خدمت پنتاگون هستند (یعنی مجاهدین خلق ضد ایرانی) و اپوزیسیون های پنتاگون وطنی که نام ابتذال را در فرهنگ واژگان متحول ساخته اند... با توطنه چینی و با اعمال خشونت فزاینده و روانی و تحقیر تخریب کرد. و این معامله میان فرهنگی با فرانسه یعنی معامله با همان کشوری که برای مزدوران مسلح در سوریه برای تخریب سوریه و کشتار مردم سوریه و آواره کردن میلیون ها نفر از جمعیت این کشور به بهانه مبارزه علیه «بشار دیکتاتور» مستشار و مأمور اطلاعاتی و داوطلب تروریست از شهرها و حومه های شهرهای اروپا و تفتنگ فاماس و خیلی چیزی های دیگر فرستاد و در سال ۲۰۱۲ رئیس جمهور این کشور یک آدمکش را با

۱۵۰ سر بریده در پرونده اش به عنوان انقلابی و آزادی خواه دموکراسی طلب در کنار خودش طی گردهمایی «دوستان سوریه» به صحنه آورد ... و حالا به همکاری مدیر جدید تأثر شهر و وزارت ارشاد اسلامی و ولایت فقیه به فکر نشیمنگاه تماشاچیان ایرانی افتاده اند ... در نتیجه یک پیغام سزاگویانه نوشتم و از طریق پست الکترونیک همیشگی برای خوانندگان گاهنامه ام فرستادم. از این کار پشیمان نیستم و گر چه فعلاً در وضعیت خوبی برای نوشتن نیستم ولی در آینده نزدیک حتماً مطلبی در این رابطه تهیه خواهم کرد ولی این سزا گوئی من (و نه ناسزا گوئی) به شکل ما بعدی یک قطعه از همین کتاب ژان میشل ورنوشه را برای من تداعی کرد، که به عبارت زیر است :

«بنابراین، «نظم نوین بین المللی» که ایران برای پیوستن به آن به شکل مصرانه ای دعوت شده است، قواعد بازی آن کاملاً از پیش توسط ایالات متحده تعریف شده و هدایت می شود. قواعد همواره جهت گیری یکسانی دارد، و عبارت است از متوقف ساختن دفاع، از جمله دفاع طبیعی و فرهنگی ملت ها برای هضم آنها در دیگ بزرگ جهانی گرا، و چنین امری پس از «عصبانی کردن آنها» به مفهومی که در تکیه کلام قدیمی فرانسوی شنیده می شود، یعنی پس از بی حس کردن و از زندگی تهی ساختن آنها، و باز هم یعنی پس از خنثی سازی آنها از دیدگاه جسمی و روحی و روانی.» (ص ۱۴)

به عنوان مثال، در سطح پاریس، سگ های نگهبان وطنی که در خدمت امپریالیست ها از جمله در سایت رنگین کمان قلم رنجه می فرمایند، هرگز نمی گویند و نمی پرسند تکلیف و نتیجه و سرنوشت تهدید و جنگ روانی علیه یک ملت به وسعت حدود ۸۰ میلیون ایرانی طی بیش از ۱۰ سال چه می شود؟ طی بیش از ده سال ایران را به بمباران اتمی تهدید کردند. نتایج [روان تنی] چنین وضعیتی برای تک تک ایرانیان به کجا انجامیده ... می انجامد و خواهد انجامید. مضافاً بر این که هیاهوهای «توافق وین» هنوز به این گونه تهدیدات خاتمه نداده است و از سوی دیگر دستکاه دین اسلام و جمهوری اسلامی در ایران و طبقه بورژوازی کمپرادور برای نجات نظام خود، ستراتیژی دفاعی ایران را نیز معامله کرده اند.

این رنگین کمان نویس های صلح طلب و ضد اتمی که کسب دانش و تکنولوژی آن را برای ایران بی مورد تلقی می کنند از خودشان نمی پرسند که آیا مردم لیبیا، سوریه، عراق و افغانستان... مردم مکزیک و امریکای جنوبی که به گروگان باند های امپریالیستی مواد مخدر در آمده اند و نه کمتر از مردم سوریه قربانی می دهند... بی آن که سراغ رویدادهای افریقا و چپاول منابع آنها توسط کشورهای امپریالیستی غرب برویم... آیا این مردم جنگ طلب بوده اند؟ و آیا صلح طلبی — تازه وقتی که صلح طلبان با بمباران مردم موافق نبودند و تازه وقتی که واکنشکی نشان دادند — (بمباران مردم افغانستان، عراق، لیبیا و سوریه و بمباران اتمی یمن (با بمب نوترونی که تی پری میسان آن را بمب امپریالیستی در بهترین شکل آن می نامد زیرا آدمها را می کشد و زیر بناها را دست نخورده حفظ می کند) توسط اسرائیل در جایگاه فرمانده ستاد فرماندهی نیروی متحد عرب) ... آیا صلح طلبی این صلح طلبان حرفه ئی مانع این همه جنایت و کشتار آدمها و ویرانی در جهان شد. البته در افغانستان به مشکل عجیبی برخورد کرده بودند : چیزی برای بمباران و تخریب پیدا نمی کردند.

ولی انحراف رنگین کمان نویس ها و رسانه های آتلانتیست در سر تا سر جهان دست کم مبلغ یک دروغ رسانه ئی دیگر نیز هستند، اینان همچنان به شکلی تلقی می کنند که گوئی مسأله واقعاً مسأله هسته ئی ایران و برنامه نظامی هسته ئی ایران که در واقع وجود خارجی نداشته موجب نگرانی «جامعه جهانی» بوده و ایران با برنامه هسته ئی اش صلح جهانی را به خطر انداخته است.

حمید محوی/ پاریس/ ۵ اگست ۲۰۱۵

گاهنامه هنر و مبارزه - ۵ اگست ۲۰۱۵